

اگر زمان با صورت جهان محسوس مرتبط است، باید مرتبط با تجربه حسی به شمار آید. اما زمان به ماده تجربه تعلق ندارد بلکه صورت محض جهان محسوس است یعنی شهود محض است. کانت معرفت حسی را با صفت "شهودی" وصف می‌کند. مفهوم شهود^۱ در این نوشته، همچنانکه بعدها در فلسفه نقادی، اهمیت بسیار دارد. می‌دانیم که تا پیش از رساله ۱۷۷۰، کانت در دوره به اصطلاح لایب‌نیستی-ولفی به سر می‌برد، از همین‌رو تصور وی از زمان تفاوتی با تصور این جریان غالب ندارد. از این مهم‌تر اینکه مفهوم شهود هنوز در تعیین چستی زمان داخل نشده است. اما پیش از رساله، در نوشته‌ای با عنوان *در مبنای اصلی اختلاف جهات در فضا*^۲ در ۱۷۶۸ که به تأمل در مکان اختصاص دارد، این مفهوم ظاهر می‌گردد. در این نوشته کانت به این نتیجه می‌رسد که مکان مطلق را نمی‌توان با حس بیرونی ادراک کرد. وی صفت "شهودی"^۳ را برای مکان به کار می‌برد (Kant 1974c: II, 1000). این نوشته آغاز شکل‌گیری مفهوم کلیدی شهود در فلسفه کانت است. یکی از مهم‌ترین عواملی که *رساله استادی* را تمهید دوران نقادی می‌کند تفصیل در معرفی مشخصه‌ها و انواع شهود است که در نقد کمابیش بدون تغییر حفظ می‌شود.^۴ کانت تصریح می‌کند که تنها نوع معتبر شهود نزد انسان شهود حسی است که یکی از مشخصه‌های آن جزئی‌بودن است. به تعبیر کانت شهود محض انسان یک مفهوم کلی یا منطقی نیست که محسوسات تحت آن به تعقل درآیند بلکه مفهومی جزئی است که محسوسات در آن متصور می‌شوند. همچنین شهود انسان منفعل است، به خلاف شهود الهی که اصل و مبدأ اشیاست و جنبه خلاقیت دارد و کاملاً عقلانی است؛ انسان هیچ نوع شهودی ندارد که از آن قوه فهم باشد. از سویی تفکر تنها با استفاده از مفاهیم کلی به نحو انتزاعی ممکن می‌شود نه با استفاده از مفاهیم جزئی انضمامی، و از سوی دیگر شهود هم برای انسان فقط شهود حسی است نه شهود عقلی. کانت تأکید می‌کند که اصل صورتی شهود انسان - یعنی زمان و مکان - شرطی است برای محسوس واقع شدن متعلق حس و به همین سبب نمی‌تواند شرایط شهود عقلی را فراهم کند (Kant 1992: 2:397). از این بحث هم این اصل فلسفه نقادی نتیجه می‌شود که شهود تنها نحوه ظهور اعیان برای ذهن ما را نشان می‌دهد و به حقیقت اعیان راه ندارد. به تصریح کانت در رساله (2:406-407) اشیا فی نفسه را نمی‌توان با تمثالات برگرفته از حس ادراک کرد.

در بخش سوم رساله شرح مبسوطی از ماهیت و کارکرد زمان آمده است. این شرح در بیان هفت قضیه درباره زمان که بعضی سلبی و بعضی ایجابی است شکل گرفته است. هنگام تألیف رساله مهم‌ترین نظریه‌های رایج درباره زمان، گذشته از اقوال فیلسوفان پیشین مثل ارسطو، اینها بوده است: نظریه جان لاک که منشأ تصور زمان را در توالی تصورات می‌جوید

۱. intuitus لاتینی در رساله، Anschauung در نوشته‌های آلمانی کانت.

2. Von Dem ersten Grunde des Unterschiedes Der Gegenden im Raume

3. anschauend